

سوره «قارعه» (۱۰۱)

ارتباط با سوره قبل

سوره قارعه هر چند با سوره قبل (عادیات) در موضوع برانگیخته شدن از قبر و جزای اعمال اشتراک دارد و به گونه‌ای دنباله آن بشمار می‌رود^۱، با اینحال مشابهت ظاهری آن با سوره زلزال بیشتر است و مشترکات روشن تری دارد^۲. البته اگر ترتیب قرار گرفتن سوره‌ها در قرآن منحصرأ تابع وجوه اشتراک بود، شاید سوره قارعه بدنبال سوره زلزال قرار می‌گرفت. اما از آنجائی که مسئله ابعاد مختلف و پیچیدگی‌های ظریفی دارد، لازم است علاوه بر وجوه اشتراک، محور اصلی سوره‌ها را در نظر داشته باشیم. چنین بنظر می‌رسد که سوره عادیات عالماً عامداً، بنا به حکمتی در وسط دو سوره مشابه و ناظر به حوادث هولناک قیامت قرار گرفته است تا موقعیت انسان را در برابر چنین آینده‌ای انداز دهد. آدمی با اینکه در مسائل و منافع دنیائی اش بسیار جدی و کوشا است، نسبت به سرنوشت نهائی و خطراتی که آینده او را تهدید می‌کند و نسبت به پروردگارش کند و کاهل است، غافل از اینکه وقتی قبرها برانگیخته شوند و آنچه در سینه‌ها است محصول خود را بیار آورد، هر کس بر حسب سنگینی میوه اعمالش جزا می‌بیند.

نگاهی اجمالی به سه سوره زلزال، عادیات و قارعه، محور سرنوشت ابدی انسان را در

۱. در سوره عادیات از تحصيل و تحقق خصلت‌های مکتسبه دنیائی در آخرت سخن می‌گوید (و حصل ما فی الصدور) و در سوره قارعه از سنجش و جزای آن (فاما من ثقلت موازینه فهو فی عیشة راضیه).

۲. از جمله در روانه شدن از قبرها (زلزال: یومئذ یصدر الناس اثناتاً لیروا اعمالهم - قارعه: یوم یكون الناس كالفرش المبثوث) و در سنگینی و سبکی اعمال (زلزال: فمن یعمل مثقال ذره خیرا یره و من یعمل مثقال ذرة شرا یره - قارعه: فاما من ثقلت موازینه... و اما من خفت موازینه...)

آخرت نشان می‌دهد: در سوره زلزال از روانه شدن مردم بصورت پراکنده برای «مشاهده اعمال» یاد می‌کند^۱، در سوره عادیات حاصل شدن و تحقق یافتن خصلت‌های درونی را در قیامت متذکر می‌گردد^۲ و بالاخره در سوره قارعه سرنوشت انسانها را برحسب سنگینی اعمالشان رقم می‌زند^۳.

آثار و نشانه‌های قیامت

نام سوره و سه آیه ابتدای آن از حادثه کوبنده‌ای یاد می‌کند که با وقوع آن، همه چیز، حتی زمین و کوهها، با ضربه ناگهانی خردکننده‌ای درهم شکسته و متلاشی می‌شوند. این فشار رانشی و نیروی انفجاری فوق‌العاده که سنگین‌ترین اجرام را بصورت ذرات شناور در هوا پراکنده می‌سازد، در این سوره «قارعه» خوانده شده است، قارعه‌ای که کوهها را همچون پشم حلاجی شده منفجر می‌سازد.

نیمه اول سوره از آثار و نشانه‌های سهمگین این واقعه در زمین یاد می‌کند و نیمه دوم از سرنوشت انسان پس از چنان انقلابی. و اتفاقاً در سوره‌های دیگر نیز وقتی مسئله قیامت با تحولات شگفت آن در آسمان و زمین مطرح می‌گردد، غالباً این دو مطلب در کنار هم قرار گرفته‌اند. یا اصلاً بیان چنان تحرک و تحولی در طبیعت برای نشان دادن جوهر حرکت در عالم و سر رسیدن اجل پدیده‌های بظاهر جاودان است تا آدمی نیز به خود آید و به پایان پرونده خویش بیندیشد و آمادگیهای لازم را برای مواجه شدن با چنان احوالی فراهم سازد. به این ترتیب بشر به عنوان جزئی کوچک از عالم بزرگتر مشمول قوانینی می‌گردد که آسمانها را دربر گرفته است و قیامت او همزمان و هماهنگ با قیامت آسمانها و زمین می‌باشد.

نامی که در این سوره از بُعد «کوبندگی» بر آن حادثه عظیم گذاشته شده است، تنها نام قیامت نیست، در سوره‌های دیگر نیز از ابعاد و زوایای مختلف، نامهای متنوعی بر آن نهاده شده است. به پرواز درآمدن انسان همچون پروانه‌های سبکبالی که در آسمان از این سو به آن سو می‌رود، در شرایط بی‌وزنی با کاهش جاذبه زمینی که پس از چنان تحولاتی در زمین و آسمان پدید می‌آید، در سوره‌های دیگر نیز مورد نظر قرار گرفته است که چگونگی آن با تدبیر در آیات و به کمک علم قابل فهم می‌گردد، علاوه بر آن، متلاشی شدن کوهها، همچون پشم حلاجی شده، تنها گوشه‌ای از چنان واقعه‌ای سهمگین، است، در سوره‌های دیگر نیز،

۱. یومئذ یصدر الناس اشتاتاً لیروا اعمالهم

۲. افلا یعلم اذا بعث ما فی القبور و حصل ما فی الصدور

۳. فاما من ثقلت موازینه فهو فی عیشة راضیه و اما من خفت موازینه فامه هاویه

سرنوشت ماه و خورشید و آسمان و ستاره‌ها را نیز نشان داده است که مطالعه جامع این موارد تصویری کلی از صحنه قیامت را ترسیم می‌نماید. به این ترتیب بنظر رسید اکنون که به آخرین سوره ناظر به انقلابات جهانی در آستانه قیامت رسیده‌ایم، ضروری است نگاهی اجمالی به آیاتی که تاکنون در این زمینه خوانده‌ایم بیفکنیم و جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ساده‌ای، در حد فهم و درک ناچیز خود، بنمائیم، باشد تا در پرتو عنایات ربوبی و به کمک انوار آیات کتابش که «کتاباً متشابهاً مثانی» است و هر آیه، آیه دیگر را تفسیر می‌نماید به گوشه‌ای از این «راز بزرگ» که بسوی آن حرکت می‌کنیم پی ببریم.

مقدمتاً آیاتی را که در این زمینه خوانده‌ایم برحسب سال نزول در جدولی منظم می‌نمائیم، توجه به ترتیب نزول آیات و تدبیر درارتباط آنها با یکدیگر این کمک را می‌نماید که می‌فهمیم نازل‌کننده کتاب با چه شیوه‌ای و با چه مقدماتی این موضوع عظیم را به مسلمانان آموزش و انذار داده و از کجا شروع کرده است. البته آنچه در جدول پیوست آورده‌ایم تمامی آیات مربوط به قیامت و بهشت و جهنم و حساب و کتاب اعمال نیست، بلکه عمدتاً آیاتی را گرد آورده‌ایم که به نوعی به حوادثی که در آسمان و زمین رخ می‌دهد مربوط می‌شود. شگفت این‌که این مسئله در سوره‌های دیگر نیز غالباً، همچون سوره قارعه، از دو بخش: ۱- تحولات در آسمانها و زمین ۲- تحولات در عالم انسانها، ترکیب شده است که بخش اول آن مستقیماً از چنان تحولاتی در طبیعت سخن می‌گوید یا به دنبال عنوانی از واقعه، قارعه، قیامت، ساعت و... آنرا مطرح می‌سازد و بخش دوم آن سرنوشت انسانها را به گونه‌های مختلف بیان می‌کند.

خوب است ابتدا نگاهی به جدول ضمیمه بیفکنیم و پس از بررسی و مقایسه آیات، کلیات آنرا اجمالاً استخراج نمائیم:

ردیف	نام سوره	اعلام موضوع	تحويلات و دیگر گونهای در زمین و آسمان	جزای اصمال (سر نوشت انسان)
۱	غاشیه	طوفان سحابی است		تغذیه و تزیینت سحابی است
۲	انفطار			تغذیه و تزیینت سحابی است
۳	تکویر			تغذیه و تزیینت سحابی است
۴	نازعات			تغذیه و تزیینت سحابی است
۵	معاراج			تغذیه و تزیینت سحابی است
۶	مرسلات			تغذیه و تزیینت سحابی است
۷	نبأه			تغذیه و تزیینت سحابی است
۸	انشقاق			تغذیه و تزیینت سحابی است
۹	میس			تغذیه و تزیینت سحابی است
۱۰	قیامه			تغذیه و تزیینت سحابی است
۱۱	واقعه			تغذیه و تزیینت سحابی است
۱۲	نازعات			تغذیه و تزیینت سحابی است
۱۳	فجر			تغذیه و تزیینت سحابی است
۱۴	زوال			تغذیه و تزیینت سحابی است
۱۵	قارعه			تغذیه و تزیینت سحابی است
۱۶	حائه			تغذیه و تزیینت سحابی است
۱۷	مطففين			تغذیه و تزیینت سحابی است
۱۸	قمر			تغذیه و تزیینت سحابی است
۱۹	معاراج			تغذیه و تزیینت سحابی است
۲۰	طور			تغذیه و تزیینت سحابی است
۲۱	مزل			تغذیه و تزیینت سحابی است
۲۲	ق			تغذیه و تزیینت سحابی است
۲۳	ق			تغذیه و تزیینت سحابی است
۲۴	یس			تغذیه و تزیینت سحابی است
۲۵	مؤمنون			تغذیه و تزیینت سحابی است
۲۶	نبأه			تغذیه و تزیینت سحابی است
۲۷	طه			تغذیه و تزیینت سحابی است
۲۸	كهف			تغذیه و تزیینت سحابی است
۲۹	نمل			تغذیه و تزیینت سحابی است
۳۰	كهف			تغذیه و تزیینت سحابی است
۳۱	العام			تغذیه و تزیینت سحابی است
۳۲	زمر			تغذیه و تزیینت سحابی است

نام‌های حادثه

همانطور که گفته شد نام «قارعه» بدلیل کوبندگی شدید آن حادثه که کوهها را همچون پشم حلاجی شده در هوا پراکنده می‌سازد بر این سوره نهاده شده است. در جدولی که ملاحظه کردید، اولین ستون آیات آن شامل نامهای متنوع دیگری می‌باشد که هر کدام به دلیل خاصی بر آن حادثه گذاشته شده است از جمله:

حاقه	(بدلیل حق و حتمی و ثابت بودن)	الحاقه، مال‌الحاقه و مادریک مال‌الحاقه ^۱
قارعه	(بدلیل کوبندگی و فشار)	القارعه، مال‌القارعه و مادریک مال‌القارعه
غاشیه	(بدلیل فراگیر بودن و احاطه‌کنندگی آن)	هل اتیک حدیث الغاشیه
قیامة	(بدلیل برپائی و حیات مجدد)	یسئل ایان یوم القیمة ^۲
آخرت	(بدلیل آمدن پس از دنیا)	در قرآن ۱۱۵ بار آخرت بکار رفته است
یوم‌الوعید	(بدلیل وعده داده شدن آن)	ذلک یوم‌الوعید، حتی یلاقوا یومهم الذی یوعدون.
صاخه	(بدلیل صوت گوشخراش آن)	فاذا جاءت الصاخه یوم یفر المرء من اخیه.
یوم‌البعث	(بدلیل برانگیخته شدن)	در قرآن ۳۴ بار از بعثت مردگان نام برده است
طامه	(بدلیل غلبه و تجاوز و برتری قاهر آن)	فاذا جاءت الطامة الکبری.

بطور کلی اسامی متنوعی بر حسب زاویه نگرش بر آن حادثه نهاده شده است که برخی از آنها عبارتند از:

یوم‌الحساب، یوم‌الدین، یوم‌التغابن، یوم‌الازفه، یوم‌یحشرهم، یوم‌الخروج، یوم‌الجمع، یوم‌کبیر، یوم‌الوقت‌المعلوم، یوم‌التلاق، یوم‌الفصل، یوم‌مشهود، یوم‌ینفخ‌فی‌الصور، یوم‌عظیم، یوم‌الخلود، یوم‌الموعود، یوم‌یقوم‌الساعة و...

این حادثه با دمیده شدن در صور (یوم‌ینفخ‌فی‌الصور) که خروش کرکننده غیرقابل تصویری است و با کلمات صیحه، زجره، صاخه و... توصیف شده آغاز می‌گردد. با خروش نخستین همه زندگان مگر آنچه خدا خواسته باشد می‌میرند و با خروش بعدی قیامت آغاز می‌گردد:

و نفخ فی‌الصور فصعق من فی‌السموات و من فی‌الارض الا ما شاء الله ثم نفع فی‌ه اخری
فاذا هم یقیام ینظرون

۱. این کلمه در قرآن ۵ بار بکار رفته است که سه مورد آن در سوره قارعه و دو مورد دیگر در سوره‌های حاقه (کذبت نمود و عاد بالقارعه) و رعد (ولا یزال الذین کفروا تصییهم بما صنعوا قارعه - آیه ۳۱) می‌باشد. گویا منظور از قارعه در سوره‌های فوق‌الذکر عذاب و مصیبت درهم کوبنده شدیدی باشد که بدلیل کفر نازل می‌شود.
۲. در قرآن ۷۰ بار «یوم‌القیامة» بکار رفته است.

سیر نهائی آسمان و زمین

دومین ستون قائم جدول ضمیمه (در قسمت آیات)، تحولاتی را که در آسمان و زمین دنیائی و یا بطور کلی در جهان مشهود ما، از منظومه شمسی تا کهکشان، رخ می دهد، بیان می نماید. از آنجائی که قبلاً نیز در شرح و توضیح سوره های نجم و زلزال وضعیت را که در آسمان و زمین، کوه و دریا، ماه و خورشید و ستارگان پیش می آید، اجمالاً فهرست کردیم، ضرورتی ندارد مجدداً به این کار مبادرت نمائیم، خوانندگان محقق در صورت نیاز می توانند به سوره های مربوطه مراجعه نمایند، در اینجا منحصرأ به یادآوری نکاتی می پردازیم که قبلاً وارد آن نشده ایم. با این حال اشاره وار عمده ترین تحولاتی را که در پدیده های آسمانی و زمین واقع می شود در ابتدا یادآور می شویم:

اذا الارض مدّت (انبساط و ادامه یافتن)، و القت ما فیها و تخلت (بیرون ریختن اثقال درونی)، اذا رجّت الارض رجّاً (لرزش شدید)، اذا زلزلت الارض زلزالها، اذا دگت الارض دگّاً دگّاً (کوبیده و غبار شدن)، و حملت الارض والجبال فدکّاً دکه واحدة، يوم ترجف الارض و... (لرزش شدید)، ... و تری الارض بارزه (آشکار و صاف شدن سطح زمین)، ... فیذرها قاعاً صفصفاً، لاتری فیها عوجاً ولامتاً (صاف و هموار شدن سطح زمین بدون هیچگونه اختلاف سطح)، اشرفت الارض بنور ربها

زمین

اذا الجبال سیرت، يوم نسیر الجبال، و تسیر الجبال سیراً، (راه افتادن و حرکت) و تری الجبال تحسبها جامدة و هی تمرمر السحاب... (حرکت ابرمانند کوهها) تگون الجبال کالعهن، و تگون الجبال کالعهن المنفوش. (پراکنده شدن همچون پشم) و اذا الجبال نسفت، یستلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا فیذرها قاعاً صفصفاً لاتری فیها عوجاً و لامتاً (از ریشه کنده شدن کوهها و صاف شدن زمین)

کوهها

و بسّت الجبال فکانت هباء منبثاً (کوبیده و نرم شدن همچون غبار هوا) و حملت الارض والجبال فدکّاً دکه واحدة، جعله دگّاً و کان وعد ربی حقّاً (ازجاکنده شدن و به هوارفتن و کوبیده و نرم شدن) يوم ترجف الارض والجبال و کانت الجبال کثیبا مهیلاً. (حرکت شدید و ریزش ذرات آن همچون تپه لغزنده)

ماه } اقتربت الساعة و انشق القمر، خسف القمر و جمع الشمس والقمر (دو نیمه شدن ماه، فرورفتن آن در خورشید متحول شده)

خورشید } اذا الشمس كورت، جمع الشمس والقمر.

آسمان } اذا السماء انفطرت، يوم تكون السماء كالمهل، و اذا السماء فرجت، و فتحت السماء فكانت ابواباً، اذا السماء انشقت، و انشقت السماء فهي يومئذ واهية - يوم تمور السماء مورا، السماء منقطر به، اذا السماء كشطت، يوم تشقق السماء بالغمام، يوم نظوى السماء

ستارگان } اذا الكواكب انتثرت، اذا النجوم انكدرت، فاذا النجوم طمست،

دریاها } اذا البحار سجرت، اذا البحار سجرت، والبحر المسجور،

نقش فرشتگان در قضایای قیامت

فجر ۲۲ کلا اذا دكت الارض دكا دكا و جاء ربك و الملك صفا صفا حاقه ۶۹ فاذا نفخ فى الصور نفخه واحدة و حملت الارض و الجبال فدكتا دكة واحدة، فيومئذ وقعت الواقعة، و انشقت السماء فهي يومئذ واهية، و الملك على ارجائها و يحمل عرش ربك يومئذ ثمانية.

نبا ۳۸ عم يتساءلون، عن النبأ العظيم... يوم يقوم الروح و الملكة صفا صفا لا يتكلمون الا من اذن له الرحمن...

فرقان ۲۵ و يوم تشقق السماء بالغمام و نزل الملكة تنزيلاً. الملك يومئذ الحق للرحمن...

معارج ۴ تعرج الملكة و الروح اليه فى يوم كان مقداره خمسين الف سنة... يوم تكون السماء كالمهل و تكون الجبال العهن

زمر ۷۵ و ترى الملكة حافين من حول العرش يسبحون بحمد ربهم و قضى بينهم بالحق و قيل الحمد لله رب العالمين.

برانگيخته شدن از قبور (خروج، حشر)

يوم يكون الناس كالفرش المبثوث.	قارعه ٤
يوم يصدر الناس اشتاتا ليروا اعمالهم.	زلزال ٦
يوم يخرجون من الاجداث سراغاً كأنهم الى نصب يوفضون.	معارج ٢٣
فتول عنهم يوم يدع الداع الى شيء نكر، خشعاً ابصارهم يخرجون من الاجداث كأنهم جراد منتشر،	قمر ٥ تا ٨
مهطعين الى الداع يقول الكافرون هذا يوم عسر.	
يوم ينفخ في الصور فتأتون افواجاً.	نبأ ١٨
يوم ترجف الراجفة، تتبعها الرادفة... فأتما هي زجرة واحدة فاذا هم بالساهرة.	نازعات ٦ تا ١٢
يوم يسمعون الصيحة بالحق ذلك يوم الخروج، يوم تشقق الارض عنهم سراغاً ذلك حشر علينا يسير... و نفخ في الصور فاذا هم من الاجداث الى ربهم ينسلون، قالوا يا ويلنا من بعثنا من مرقدنا... ان كانت الا صيحة واحدة فاذا هم جميع لدينا محضرون.	ق ٢٠ تا ٥٢
فاذا جاء وعد ربى جعله ذكاء و كان وعد ربى حقاً و تركنا بعضهم يومئذ يموج في بعض و نفخ في الصور فجمعناهم جمعا.	كهف ٩٨ و ٩٩
و يوم نسير الجبال و ترى الارض بارزة و حشرناهم فلم نغادر منهم احدا، و عرضوا على ربك صفأ...	كهف ٤٧
... ثم نفخ فيه اخرى فاذا هم قيام ينظرون.	زمر ٦٨
و اذا القبور بعثرت، علمت نفس ما حضرت.	انفطار ٤
افلا يعلم اذا بعثر ما في القبور و حصل ما في الصدور.	عاديات ٩
و ان الساعة آتية لا ريب فيها و ان الله يبعث من في القبور.	حجج ٧

مرگ عمومی موجودات و حیات مجدد آنها با نفخه در صور

- و يوم ينفخ في الصور ففزع من في السموات و من في الارض الا من شاء الله و كل اتوه و اخرين. و ترى الجبال تحسبها جامدة و هي تمر مر السحاب صنع الله الذي اتقن كل شى انه خبير بما تعملون نحل ۸۷ تا ۹۰
- من جاء بالحسنة فله خير منها و هم من فزع يومئذ امنون. و من جاء بالسيئة فكبت وجوههم في النار هل تجزون الا ما كنتم تعملون
- و ما قدروا الله حق قدره و الارض جميعاً قبضته يوم القيمة و السموات مطويات بيمينه سبحانه و تعالى عما يشركون
- و نفخ في الصور فصعق من في السموات و من في الارض الا من شاء الله ثم نفخ فيه اخرى فاذا هم قيام ينظرون زمر ۶۷ تا ۷۰
- و اشرقت الارض بنور ربها و وضع الكتاب و جى بالنبيين و الشهداء و قضى بينهم بالحق و هم لا يظلمون
- و نفخ في الصور فاذا هم من الاجداث الى ربهم ينسلون. قالوا يا ويلنا من بعثنا من مردقنا، هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون ان كانت الا صيحة واحدة فاذا هم جميع لدينا محضرون. يس ۵۱
- و نفخ في الصور ذلك يوم الوعيد و جاءت كل نفس معها سائق و شهيد ق ۲۰
- طه ۱۰۲ يوم ينفخ في الصور و نحشر المجرمين يومئذ زرقا...

آخرین ستون قائم جدول، سرنوشت انسانها را برحسب عملکرد آنها نشان می دهد. این بخش که مفصلتر از بخش قبلی می باشد، نتیجه گیری و منظور اصلی آن نیز بشمار می رود. اصولاً اشاراتی که در قرآن به تحولات کیهانی و انقلابات اساسی در نظام آسمان و زمین در آستانه قیامت شده است برای همین است که انسان را از سرانجام طبیعتی که به آن خو گرفته، به سرانجام خویش آگاه سازد. سبک قرآن برای تبیین و تفهیم مسئله قیامت به کلی با شیوه های مبتنی بر استدلالهای ذهنی و منطق مجرد عقلی مغایر است، قرآن برای اثبات این موضوع بجای اینکه متوسل به دلایل فلسفی و کلامی شده، فقه و اصول را مبنای استدلال قرار دهد، از طبیعت مشهود و زمین و آسمان محسوس شاهد می آورد و نشان می دهد پدیده های عظیمی همچون زمین و خورشید و ستارگان و کهکشانها، گرچه ابدی و ثابت بنظر می رسند، درحقیقت عمر محدودی دارند و سرانجام به اجل محتوم خود که توأم با تحولات و فعل و انفعالاتی زیرورو کننده می باشد می رسند و در آن روز که همه چیز دگرگون و متحول می گردد، قیامت انسان، که جزئی کوچک از طبیعت بزرگ است فرا

می‌رسد و اعمال و مکتسبات دنیائی اش تحقق می‌یابد^۱
 بنابراین اگر در قرآن از تحولات نهائی آسمان و زمین در قیامت نشانه می‌آورد، نه قصد
 تعلیم زمین‌شناسی و نجوم دارد و نه به زبان استعاره و تمثیل آسمان و زمین را وسیله و
 بهانه‌ای برای بیان مسائلی دیگر قرار داده است، بلکه بیان این تغییرات عظیم بخاطر
 متوجه ساختن انسانها به انقلابی فراگیر است که تحت تأثیر آثار و عوارض آن قیامت انسان
 فرا می‌رسد و اعمال و مکتسباتش بمنصه ظهور می‌رسد. به این ترتیب بجای آنکه قیامت را
 به شیوه کلامی، مثلاً با نتیجه‌گیری از «عادل» بودن خدا اثبات نماید، آدمی را متوجه «آیات»
 و علامت‌های طبیعی می‌کند و از مجردات ذهنی و بافته‌های فلسفی و کلامی به «علم»
 حاصل از مشاهده و تجربه رهنمون می‌سازد.

متأسفانه کسان دیگری که تصور درستی از جهان مادی و علم و اطلاعی کافی از
 تحولات نهائی پدیده‌های آن ندارند، وقتی با چنین آیاتی مواجه می‌شوند می‌کوشند مسئله
 قیامت و نشانه‌های وعده داده شده آنرا با ذهنیات و خیالات و هم‌انگیز بشری به ظاهر عرفانی
 عوام فهم توجیه نموده و منظور و مفهومی به میل و تشخیص خود برای آن بتراشند. گرچه
 در مواردی هم اتفاقاً توجیهاتی به ظاهر سازگار با آیات عنوان می‌کنند، اما وقتی همان
 توجیه را با آیات مشابه مقابله می‌دهیم، به تناقض آشکار آن پی می‌بریم. اصولاً چنین
 توجیهاتی، هرچند با حسن نیت و به قصد هدایت هم باشد، از آنجائی که خود بافته و متکی
 به مجردات ذهنی است گمراه‌کننده بوده، به دلیل جابجا کردن معنای آیات از مصادیق بارز
 «تحریف آیات» بشمار می‌رود. بنظر نمی‌رسد راه دیگری برای فهم آیات معضله قرآن در امور
 مربوط به قیامت، بغیر از مراجعه به خود قرآن (نه خود) و استفاده از شیوه تفسیری آیه با آیه
 و چراغ علم وجود داشته باشد. در زمینه شناخت خدا و قیامت، که فراتر از دستاوردهای
 علمی و ذهنی بشری است، جز امداد از کتاب الهی، هرگونه توجیه و تفسیر فلسفی و
 عرفانی و اشراقی و احساسی و... خطر شرک و انحراف در کمین دارد و باید از آن حذر کرد.
 همچنانکه توحید با توجیهات بشری به شرک آلوده می‌گردد، مراقب باشیم قیامت را با
 عینک احساسات خود قالب نزنیم!

۱. زندگی پروانه کرم ابریشم مثال مناسبی برای این مسئله است. کرم ابریشم پس از چند هفته تغذیه از برگ
 درخت توت، وقتی قابلیت و قدر طبیعی خود را تحقق بخشد، به «اجل» مرحله‌ای خود نزدیک می‌شود و
 سرانجام بصورت جسدی خشکیده و بی حرکت در پوسته و پیله‌ای که به عنوان قبر برای خود تنیده از دنیای
 سابق خود جدا می‌شود و به خوابی طولانی می‌رود. بزرگی و بالندگی این پروانه و حیات و حرکت و مدت
 تخم‌گذاری و عمر آن ارتباطی مستقیم با کیفیت و کمیت تغذیه در دوران کرم بودن (لارو) دارد. هرچه در آن
 دوران سلامت‌تر زندگی کرده باشد در دوران پروانگی سلامت‌تر خواهد بود

در آیات این ستون چند مطلب اساسی که ذیلاً اشاره می شود مورد تأکید قرار گرفته است:

۱- حساب و کتاب داشتن اعمال:

انهم كانوا لا يرجون حساباً و كل شيء احصيناه كتاباً^۱، فاما من اوتى كتابه
بيمينه فسوف يحاسب حساباً يسيراً^۲ انى ظننت انى ملاق حسابيه^۳ ... ولم ادر ما
حسابيه^۴، يا ويلنا ما لهذا الكتاب لا يغادر صغيره و لا كبيره^۵ ان عليكم
لحافظين كراماً كاتبين^۶، و...

۲- تقديم اعمال برای آخرت

ينبئوا الانسان يومئذ بما قدم و آخر^۷، يوم ينظر المرء ما قدمت يده^۸، علمت
نفس ما قدمت و آخرت^۹، علمت نفس ما احضرت^{۱۰}، و وجدوا ما عملوا
حاضراً^{۱۱}، يقوم يا ليتنى قدمت لحيوتى^{۱۲}

۳- آگاه شدن انسان به نتایج سعی و تلاش خویش

يوم يتذكر الانسان ما سعى^{۱۳}، يومئذ يتذكر الانسان و انى له الذكرى^{۱۴}،
لسعيها راضيه^{۱۵}

۴- مشاهده اعمال

يومئذ يصدر الناس اشتاتاً ليروا اعمالهم، فمن يعمل مثقال ذرة خيراً يره و من
يعمل مثقال ذرة شراً يره^{۱۶}. يوم ينظر المرء ما قدمت يده^{۱۷} ...، برزت الجحيم
لمن يرى^{۱۸}، لقد كنت فى غفلة من هذا فبصرك اليوم حديد^{۱۹} يبصرونهم...^{۲۰}، بل
الانسان على نفسه يبصره^{۲۱}،

۵- جزای عادلانه

هل تجزون الا ما كنتم تعملون^{۲۲}، من يعمل من الصالحات و هو مؤمن فلا يخاف
ظلماً و لا هضماً^{۲۳}، فالיום لا تظلم نفس شيئاً^{۲۴}، و قضى بينهم بالحق و هم
لا يظلمون و وفيت كل نفس ما عملت و هو اعلم بما يفعلون^{۲۵}، و وجدوا ما
عملوا حاضراً و لا يظلم ربك احداً^{۲۶}

۲۵. زمر ۶۹ و ۷۰	۱۹. ق ۲۲	۱۳. نازعات ۳۵	۷. قیامه ۱۳	۲۹ و ۲۷. نباء
۲۶. كهف ۴۹	۲۰. معارج ۱۱	۱۴. فجر ۲۳	۸. نباء ۴۰	۲. انشقاق ۷ و ۸
	۲۱. عبس ۱۴	۱۵. غاشیه ۹	۹. انفطار ۵	۳. حاقه ۲،
	۲۲. نمل ۹۰	۱۶. زلزله ۸ تا ۱۶	۱۰. تكوير ۱۴	۴. حاقه ۲۰،
	۲۳. طه ۱۱۲	۱۷. نباء ۴۰	۱۱. كهف ۴۹	۵. كهف ۴۸،
	۲۴. يس ۵۴	۱۸. نازعات ۳۶	۱۲. فجر ۲۴	۶. انفطار ۱۱

۶- تفکیک انسانها بر حسب اعمال.

براینکه سرنوشت انسانها بر حسب مکتسبات آنها متفاوت خواهد بود، آیات متعددی دلالت می نماید. از جمله آیه ۲۱ سوره جاثیه (ام حسب الذین اجترحوا السیئات ان نجعلهم کالذین آمنوا و عملوا الصالحات سواء محیاهم و مماتهم) و آیه ۳۶ سوره قلم (انجعل المسلمین کالمجرمین مالکم کیف تحکمون) که بوضوح این تفاوت را نشان می دهد. در قیامت مجرمین با فرمان الهی از متقین متمایز خواهند شد (و امتازوا الیوم ایها المجرمون) و هر کدام بسوی سرنوشت خویش رهسپار خواهند گشت. آیات ذیل این دوگانگی ها را با عناوین و

عبارات متنوعی نشان می دهد:

متقین ^۲	طاغین	و وجوه یومئذ خاشعه ^۱	و وجوه یومئذ مسفره
من جاء بالحسنة ^۴	من جاء بالحسنة	و وجوه یومئذ علیها غیره ^۳	ان الابرار لفی نعیم
لسعیها راضیه ^۶	عاملة ناصبه	و ان الفجار لفی ححیم ^۵	من اوتی کتابه بیمینه
متقین ^۸	مکذبین	من اوتی کتابه بشماله ^۷	من اوتی کتابه بیمینه...
اصحاب المشمشه ^{۱۰}	اصحاب المیمنه	من اوتی کتابه وراء ظهره ^۹	من يعمل مثقال ذره خیرا یره
من خفت موازینه ^{۱۲}	من ثقلت موازینه	و من يعمل مثقال ذرة شرا یره ^{۱۱}	من طغی و اثر الحیوه الدنیا
فاولئک الذین خسرو انفسهم ^{۱۴}	فاولئک هم المفلحون	من خاف مقام ربه و نهی النفس ^{۱۳}	

۱۱ . زلزال ۷ و ۸	۶ . غاشیه ۳ و ۹	۱ . غاشیه ۲ و ۸
۱۲ . قارعه ۶ و ۸	۷ . حاقه ۱۹ و ۲۵	۲ . نباء ۲۲ و ۳۱
۱۳ . نازعات ۳۷ و ۴۰	۸ . طور ۱۱ و ۱۷	۳ . عبس ۳۸ و ۴۰
۱۴ . مؤمنون ۱۰۲ و ۱۰۳	۹ . انشقاق ۷ و ۱۰	۴ . نمل ۸۹ و ۹۰
	۱۰ . واقعه ۸ و ۹	۵ . انفطار ۱۳ و ۱۴